

شکسپیر در ایران

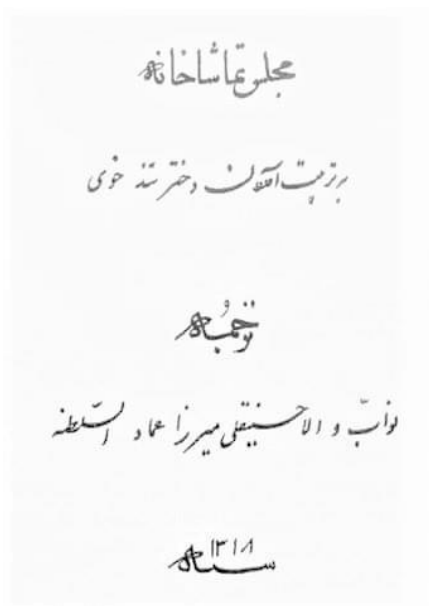
پرویز پرتوی

ویلیام شکسپیر (۱۶۱۶-۱۵۶۴) خیلی زودتر از آنکه ایرانیان با او و آثارش آشنا شوند با ایران و شاه‌عباس صفوی (۱۰۳۸-۹۹۵) آشنا شده است. در نمایشنامهٔ شب دوازدهم فایبان سر تویی را خطاب قرار می‌دهد و می‌گوید: «من پاره‌ای از این تفنن را با هزاران مستمری شاه صفوی معاوضه نخواهم کرد» شاید گزارش‌های کارگزاران انگلیسی از ایران به انگلستان منبع شکسپیر برای اشاره به صوفی بوده باشد. در سرآغاز قرن بیستم ایرانیان به تدریج به نمایشنامه‌های شکسپیر توجه خاصی کردند، اگرچه آنان پیشتر با تئاتر و نمایشنامه‌نویسان غرب دست کم در اواخر قرن نوزده آشنا شده بودند.

علی‌رغم رواج ترجمه که با تأسیس دارالفنون در ۱۲۳۰ش. آغاز شد، هیچ مدرکی دربارهٔ ترجمه آثار شکسپیر به فارسی پیش از ۱۲۷۸ش. وجود ندارد. بعد از آنکه ناصرالدین‌شاه قاجار (ح. ۱۲۱۰-۱۲۷۵ش.) اقدام به سفرهای مکرر به اروپا نمود، در ۱۲۴۷ش. در تهران تماشاخانه‌ای تأسیس کرد. اما، از آنجاکه ایرانیان با سبک تئاتر و نمایشنامه‌نویسی غرب آشنا نبودند و «هیچ نمایشنامه‌ای به فارسی شبیه نمایشنامه‌های اروپایی وجود نداشت» (بزرگمهر، ۱۳۷۸، ۳۲) ناصرالدین‌شاه دستور داد نمایشنامه‌های غربی را برای اجرا در این تماشاخانه ترجمه کنند. بنابراین، به گفتهٔ محمدجعفر یاحقی «بدین روش موج ترجمهٔ نمایش در ایران در دوران سلسلهٔ قاجاریه آغاز شد» (یاحقی، ۱۳۸۴، ۲۲۱). در آغاز، ایرانیان غالباً نمایشنامه‌های فرانسوی، به‌ویژه آثار مولیر، را اقتباس می‌کردند. مترجمان شخصیت‌ها و فضای فرانسوی نمایشنامه‌ها را «ایرانی» و ضرب‌المثل‌ها و داستان‌های بومی را وارد نمایشنامه‌ها می‌کردند. با ترجمهٔ رام کردن زن سرکش در ۱۲۷۸ش. توسط حسین قلی سالور (عمادالسلطنه)^۱، ایرانیان برای نخستین بار با نمایشنامه‌های شکسپیر آشنا شدند. اما از آنجاکه سالور در فرانسه درس خوانده بود،

^۱ این نمایشنامه با عنوان به تربیت آوردن دختر تندخوی در ۱۲۷۸ش. به چاپ سنگی رسید.

ترجمه او از روی ترجمه فرانسوی این اثر و نه اصل انگلیسی آن صورت گرفت. انقلاب مشروطه در ایران (۱۲۸۳ تا ۱۲۸۵ ش.) به افزایش تعداد روزنامه‌ها و انجمن‌ها انجامید. در این دوره، روشنفکران کوشیدند با ترجمه آثار نمایشنامه‌نویسان غربی - مانند الکساندر دوما، فریدریش شیلر، نیکلای گوگول، اوژن لاییش، ویکتور هوگو و شکسپیر که مضامین اجتماعی و اخلاقی داشتند - فرهنگ عمومی را ارتقاء بخشند. به گفته شیرین بزرگمهر، در آن زمان «ابوالقاسم قراگوزلو، ملقب به ناصرالملک دوم (۱۸۶۳ تا ۱۹۲۷) / تاللو و تاجر ونیزی^۲ را بین ۱۲۸۹ تا ۱۲۹۳ ش. ترجمه کرد (بزرگمهر، ۱۳۷۸، ۴۰). در ۱۳۱۵ ش. احمد بهمنیار تاجر ونیزی را از عربی ترجمه کرد. آثار شکسپیر برای اجرا ترجمه می‌شدند، اما تنها اجرای تماماً مستند اجرای تاللو به ترکی در تبریز در ۱۲۶۶ ش. بود. در فصل نامه تئاتر جلد اول سندی از روزنامه اختر شماره ۱۶، جلد ۱۵ در ۲۳ ربیع الاخر ۱۳۰۶ برابر با ۲۶ دسامبر ۱۸۸۸، نقل شده که درباره اجرای نمایشنامه تاللو در تبریز بحث می‌کند (جلیلی کهنه‌شهری و پیشکار، ۱۳۹۰، ۸۹).



^۲ تا آنجا که تحقیق کرده‌ام ناصرالملک این نمایشنامه‌ها را با عناوین *داستان غم‌انگیز اتاللو مغربی در ونادیک* و *داستان شورانگیز بازرگان ونادیکی* به ترتیب در ۱۲۹۳ و ۱۲۹۶ ش. ترجمه کرد.

اولین اجراهای آثار شکسپیر در تهران در سال‌های زوال سلسله قاجار (۱۱۱۹ تا ۱۳۴۳ ق.) اتفاق افتاد. تاجر ونیزی و هیاهو بسیار برای هیچ به کارگردانی رضا آذرخشی بین ۱۲۸۱ تا ۱۲۹۹ ش. اجرا شد. در ۱۳۱۱ ش. رضاشاه «شرکت تئاتر دولتی ملی» را تأسیس و از واهرام پاپازیان، هنرپیشه ارمنی که به‌خاطر نقش‌های شکسپیری‌اش معروف بود، دعوت کرد تا در تعدادی از نمایشنامه‌های شکسپیر از جمله *اتلو* و *هملت* نقش آفرینی کند. حضور پاپازیان و گروهش در ایران جرعه تئاتر مدرن را زد. پاپازیان و گروهش قبل از دیدارشان از ایران، تئاتر را در گرجستان، آذربایجان و ترکیه نیز متحول کرده بودند.

دوران حکومت محمدرضا شاه (۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷) «اوج فعالیت تئاتر به شکل غربی در ایران تلقی می‌شود» (بزرگمهر، ۱۳۷۸، ۳۳۴)؛ زیرا شاه «با ساختن تماشاخانه‌های بیشتر کمک شایانی به محبوبیت تئاتر در ایران کرد، تا حدی که بالغ بر پانصد نمایشنامه خارجی در این دوره ترجمه و اجرا شد (جلیلی کهنه‌شهری و پیشکار، ۱۳۹۰، ۹۱). در این دوره علاءالدین بازارگادی ترجمه‌هایش از نمایشنامه‌های شکسپیر را در دو جلد منتشر کرد که شامل تمام کم‌دی‌ها و تراژدی‌های او می‌شد. بازارگادی می‌گوید که «اینجانب کلیه تراژدی‌ها و کم‌دی‌ها را ترجمه کرده بودم ولی در مورد نمایشنامه‌های تاریخی شکسپیر اقدامی نکردم، چون صرفاً مربوط به سلطنت شاهان انگلیس و شرح وقایع محلی آنهاست و احتمالاً چندان مورد توجه خواننده ایرانی نخواهد بود» (بازارگادی، ۱۳۸۰، ۱۰). اما در این دوران، نویسنده و منتقد نامدار معاصر، رضا براهنی، ریچارد سوم، نمایشنامه‌ای تاریخی، را در ۱۳۴۳ ش. ترجمه کرد که برای چندین اجرا در تهران از آن استفاده شد. همچنین عبدالحسین نوشین، معروف به پدر نمایشنامه مدرن ایران، و نیما یوشیج، بنیانگذار شعر مدرن فارسی، در ۱۳۲۹ ش. مشترکاً هیاهوی بسیار بر سر هیچ را ترجمه کردند. نتیجه این همکاری متن دقیقی مناسب اجرا بود. اگرچه این دوره از لحاظ ترجمه نمایشنامه‌های شکسپیر پربار بود (ده ترجمه از *هملت*، هشت ترجمه از *رومئو و ژولیت*، هفت ترجمه از *اتلو*، و شش ترجمه از *مکبث*، سه ترجمه از *روبیای نیمه‌شب تابستان* و سه ترجمه از *ژولیوس سزار*)، اما این ترجمه‌ها در تماشاخانه‌ها اجرا نشد زیرا «رژیم پهلوی با اجرای نمایشنامه‌هایی که در آنها پادشاهان به قتل می‌رسیدند مخالفت می‌کرد» (ملک‌پور، ۱۳۶۲، ۶۲). بنابراین در این دوره، تنها دو یا سه عنوان از نمایشنامه‌های شکسپیر اجازه اجرا بر صحنه را گرفت.

پس از انقلاب ۱۳۵۷، از آنجا که انقلابیون مخالف حضور عناصر غربی در فرهنگ جامعه بودند، وقفه‌ای ده ساله در زمینه تئاتر اتفاق افتاد. اما با گذشت زمان و فروکش کردن هیجان انقلاب و تثبیت موقعیت آن تئاتر این مجال را یافت که دگرباره رشد کند و از جمله آثار شکسپیر را به صحنه ببرد. در کنار گروه‌های ایرانی برخی از گروه‌های بریتانیایی نیز هملت (سر درک جاکوبی) را در ۱۳۵۵ ش. و قصه زمستان (گروه بازیگران نمایش کوتاه راندی) را در ۱۳۸۳ ش. اجرا کردند.

ضمناً در میان تمام آثار ترجمه شده شکسپیر به فارسی هملت و تاجر ونیزی توجه زیادی در ایران مدرن به خود جلب کرده‌اند. پیداست که شهرت هملت مرهون پی‌رنگ آن به منزله استعاره‌ای مناسب برای موقعیت جاری در ایران و ماهیت سیال آن است که آن را قادر می‌سازد تا خودش را با شرایط مختلف سازگار کند (پژواک‌های زمان در هملت) ولی تاجر ونیزی جذبه‌اش را مدیون «دیدگاه احتیاط‌آمیزی است که بسیاری از ایرانیان به سالیان نسبت به یهودیان داشته‌اند» (حری، ۱۳۸۱، ۷۷).

همچنین از آثار نمایشی شکسپیر به علت داشتن مضامین و ارزش‌های ادبی اقتباس‌های متعددی صورت گرفته است؛ از جمله، هاملت با سالاد فصل (۱۳۶۶) اکبر رادی، اتللو در سرزمین عجایب (۱۳۸۴) غلامحسین ساعدی، قهوه قجری (۱۳۸۶) آتیلا پسیانی، و تردید (۱۳۸۷) اقتباسی سینمایی از هملت توسط واروژ کریم مسیحی.

ترجمه فارسی آثار شکسپیر و اجرای آنها

ردیف	عنوان ترجمه فارسی	مترجم/سال	اجرا/کارگردان
۱	دو نجیب‌زاده ورنایی	مهدوی دامغانی، فریده ۱۳۷۸	_____
۲	به تربیت آوردن دختر تندخوی	سالور، حسین‌قلی، ۱۲۷۸ مهدوی دامغانی، فریده ۱۳۷۶	_____
۳	ریچارد سوم	براهنی، رضا ۱۳۴۲ ادیب سلطانی ۱۳۷۸ حیدری، امیرعباس ۱۳۸۴ کوثری، عبدالله ۱۳۹۸	رشیدی، داوود ۱۳۷۷
۴	رنج بیهوده عشق	پازارگادی، علاءالدین ۱۳۵۵ مهدوی دامغانی، فریده ۱۳۷۷	_____

شکسپیر در ایران ۱۴۳۷/۱۱

۵	ریچارد دوم	خزاعی، احمد ۱۳۶۶
۶	رمثو و ژولیت	سامان، عزیزالله ۱۳۱۶ پازارگادی، علاءالدین ۱۳۵۸ نظیری، فواد ۱۳۷۴ آزادی‌ور، هوشنگ ۱۳۷۸ رسولی، مریم ۱۳۸۹ اکبری، مصطفی ۱۳۹۰ فیروزمند، کاظم ۱۳۹۰ دادویی، رضا ۱۳۸۸-۱۳۹۲
۷	رؤیای شب نیمه تابستان	کریمی حکاک، ۱۳۷۷ نظیری، فواد ۱۳۷۹ فرزاد، مسعود ۱۳۸۱
۸	تاجر ونیزی	قراگوزلو، ابوالقاسم خان ۱۲۹۵ بهمنیار، احمد ۱۳۱۵ پازارگادی، علاءالدین ۱۳۴۹
۹	هنری چهارم قسمت اول	خزاعی، احمد ۱۳۶۶
۱۰	هنری چهارم قسمت دوم	خزاعی، احمد ۱۳۶۶
۱۱	هیاهوی بسیار برای هیچ	نوشین، عبدالحسین ۱۳۲۸ مهردوی دامغانی، فریده ۱۳۷۷
۱۲	هنری پنجم	خزاعی، احمد ۱۳۷۰
۱۳	ژولیس سزار	شادمان، فرنگیس ۱۳۳۳ فیروزمند، کاظم ۱۳۸۴ دادویی، رضا ۱۳۸۸-۱۳۹۲
۱۴	هرطور که بخواهید	دستغیب، عبدالعلی ۱۳۷۷ مهردوی دامغانی، فریده ۱۳۸۷

۱۵	هملت	فرزاد، مسعود ۱۳۳۵ شاهین، داریوش ۱۳۴۳ اعتمادزاده، محمود ۱۳۴۳ رحیمی، مصطفی ۱۳۷۰ بازارگادی، علاءالدین ۱۳۷۴ فصیح، اسماعیل ۱۳۷۵ ادیب سلطانی، ۱۳۸۴ خیرآبادی، آرش ۱۳۸۸ پورعلم، مهرداد ۱۳۸۸ دادویی، رضا ۱۳۹۰	پاپازیان، واهرام ۱۳۱۱ رابرتسون، تویی ۱۳۴۹ گادز، عسکر ۱۳۶۵ شهرستانی، میکائیل ۱۳۷۸ جعفری، مجید ۱۳۸۰
۱۶	شب دوازدهم	وثوقی، افضل ۱۳۵۳ بازارگادی علاءالدین ۱۳۵۳ الیاسی، حمید ۱۳۶۷	
۱۷	اتللو (۱۶۰۳-۱۶۰۴)	قراگوزلو، ابوالقاسم خان ۱۲۹۲ فارسی، محسن ۱۳۳۵ اعتمادزاده، محمود ۱۳۴۲ شاهین، داریوش ۱۳۴۳ نوشین، عبدالحسین ۱۳۵۶ رحمتی، فهیمه ۱۳۸۹ دادویی، رضا ۱۳۸۸-۱۳۹۲	ناشناس. ۱۲۶۶ ناشناس. ۱۳۰۹ پاپازیان، واهرام ۱۳۱۰ پاپازیان، واهرام ۱۳۱۱ قسطانیا، آسیا ۱۳۱۵ قسطانیا، آسیا ۱۳۲۱ اسکویی، مصطفی ۱۳۳۶ کوثر، محمد ۱۳۵۳ توکلی، هوشنگ ۱۳۶۹
۱۸	شاهنامه آخرش خوش است	مهدوی دامغانی، فریده ۱۳۷۷	نوشین، عبدالحسین ۱۳۱۸
۱۹	شاه لیر	پیمان، جواد ۱۳۳۸ پوربهروز، نسرین ۱۳۷۳ اعتمادزاده، محمود ۱۳۷۸ دادویی، رضا ۱۳۸۸-۱۳۹۲	فنائیان، تاجبخش ۱۳۷۰ آقایی، سید ۱۳۸۳
۲۰	تیمون آتنی	نظیری، فواد ۱۳۹۱	

۲۱	مکتب	شادمان، فرنگیس ۱۳۳۹ احمدی، عبدالرحیم ۱۳۴۵ شایسته، خسرو ۱۳۶۳ آشوری، داریوش ۱۳۷۰ دادویی، رضا ۱۳۸۸-۱۳۹۲ شریعتی، محمدصادق ۱۳۹۲	ملک‌پور، جمشید ۱۳۶۱ ناشناس، ۱۳۷۰ مهندس‌پور، فرهاد ۱۳۷۸ فرخی، حسین ۱۳۸۱ فرخی، حسین ۱۳۸۲ دادگر، آرش ۱۳۸۳
۲۲	آتونی و کلنوپاترا	پازارگادی، علاءالدین ۱۳۴۳	
۲۳	کوریولانوس	پازارگادی، علاءالدین ۱۳۴۶	پویان، علی ۱۳۹۰
۲۴	قصه زمستان		۱۳۱۰
۲۵	طوفان	یونسی، ابراهیم ۱۳۵۰ دولت‌شاهی، اسماعیل ۱۳۷۳ رحمانیان، محمد ۱۳۸۰	

منابع

ملک‌پور، جمشید (۱۳۶۲). *مجله تئاتر*، ۴ (۲): ص. ۶۲.

available at: <http://www.neshanmagazine.com/articles.asp?id=195>
[Accessed: 15.11.2012]

Frye, N. Richard (2005) *Greater Iran*. USA: Mazda Publishers.

Horri, Abbas (2003) *The Influence of Translation on Shakespeare's Reception in Iran: Three Farsi Hamlets and Suggestions for a Fourth*. (Dissertation submitted to Middlesex University in partial fulfilment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy). Available at: <http://eprints.mdx.ac.uk/6402/> [Accessed: 07.04.2012].

Jalili Kohne Shahri, Khosro and Ahad Pishgar (2012) "A Comparative Attitude at Shakespeare's Works and His Acceptance in Iran". *American Journal of Scientific Research*, Issue 62, pp.88-93.

Milani, Abbas (2004) *Lost Wisdom: Rethinking Modernity in Iran*. USA: Mage Publishers.

Rubin, Don (1998) *The World Encyclopedia of Contemporary Theatre*. Vol. 5. London and New York: Routledge.